



کربلا در شب اربعین و غوغای پروانه ها در بین الحرمین

شب اربعین است و از هر کجا که فکرش را بکنی آمده اند؛ از دوردست ها، از طوز خورماتو و مناطق شمالی بغداد، کمی دورتر از صنعا، از بیروت و از القطیف، با تن زخمی و یک دنیا مصیبت از جنایت های گروه های تروریستی و جریانی به نام داعش و حکایت ها دارند از ظلم و ستم مردمانی که کینه ورزی شان به درازنای تاریخ می رسد.

شب اربعین است و از هر کجا که فکرش را بکنی آمده اند؛ از دوردست ها، از طوز خورماتو و مناطق شمالی بغداد، کمی دورتر از صنعا، از بیروت و از القطیف، با تن زخمی و یک دنیا مصیبت از جنایت های گروه های تروریستی و جریانی به نام داعش و حکایت ها دارند از ظلم و ستم مردمان، که کینه ورزی شان به درازنای تاریخ می رسد.

شب اربعین است و اندوه جهان بی پایان و همه عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت در این لحظات در سوز و گداز! تفاوتی هم ندارد، عجم یا عرب؟ تهران یا بغداد، بیروت و منامه یا القطیف و صنعا؛ از هر کجای دیگر دنیا مثل ترکیه و سوئد و انگلیس و آمریکا، اینجا امشب فقط یک نام را می شنوی؛ 'حسین' (ع).

از گوشه و کنار دنیا آمده اند؛ بازبان های مختلف و رنگ های متنوع؛ یکی سیاه و دیگری سفید و آن یکی چشم بادامی آمده اند، با مردی همنوا شوند؛ با آقایی هم سخن شوند و با انسانی راز دل گویند که سرور آزادگان و خوانده اند و در برابر درگاه الهی همه هستی اش را فدا کرد تا از پیوستگی نوار ظلم و بیداد تاریخ جلوگیری کند.

حالا این شب ها و این روزها، متعلق به اوست. در بین الحرمین، جایی که روح پاک حسین و سقا و علمدار کربلا عباس نظاره گر عشاق است، غوغایی برپاست. دور دو حرم حسینی و عباسی، حلقه زده اند و پروانه وار به گردش نشسته اند.

عرب و فارس و ترک و پاکستانی و لبنانی هم ندارند؛ همه هستند و همه عزادار. هر کس به زبان خود نوحه می سرايد و ناله می کند و نماز می خواند و دعا!

حتی درمیان جمعیت، از اهل سنت عراق و ایران هم می توانی ببینی که آمده اند تا عشق به اهل بیت (ع) را به رخ دشمنان اسلام بکشند و آب پاکی بر توطئه های تفرقه افکنان تکفیری بپاشند و مسیحیان و ایزدی ها نیز با نمادهایشان آمده اند و یکی انجیل در دست دارد و دیگری کتاب و دعای خودش را!

آنها که تازه از راه رسیده اند، اول، راه بین الحرمین و حرمین را می گیرند و بعد دنبال اینکه 'کجا شب را سپری کنیم؟' می روند. گروهی با روپوش هایی لیمویی رنگ با برچسب خدام الحسین در ورودی باب بغداد با یک ویلچر منتظرند تا آنها را که دیگر توان قدم برداشتن نیستند، به خصوص سالخورده ها را تا حرم برسانند.

در باب بغداد، دیگر نایی نیست و عجله ای هم نیست و اگرچه پاهای از رمق افتاده، اما چشم های مشتاق تازه بکار افتاده و اشک ها سرازیر است.

این روزها و این شب های کربلا هیچ تفاوتی میان آدم ها نیست؛ افراد تحصیلکرده و مدرک فوق دکترا و در سطوح اداری مدیرکل، جارو به دست گرفته اند و درحال نظافت شهر هستند.

یکی از آن خدامان، از بچه های شهرداری تهران است که در خیابان بغداد جارو به دست ایستاده و می گوید به جایی رسیدم که دیگر آن پست و مقام و مدرک برایم ارزش نیست و با افتخار می گویم که من یک رفتگرم.

یکی دیگر با یک ویلچر در سه راهی باب بغداد آمده ایستاده است و یک مرد میانسال را که می گوید 200 کیلومتر راه آمده و پاهایش تاول زده، با خود به سمت حرم می برد.

این روزها حرکت در کربلا، شهری یک میلیون نفری که تمامی خیابان هایش را بر روی خودروهای شخصی و عمومی بسته اند و به غیر از خودروهای امدادی، هیچکس حق ورود ندارد، بسیار سخت و دشوار است و در اکثر خیابان های اصلی، رفت و برگشت جمعیت به صورت فشرده صورت می گیرد و هرگاه کار خیلی گره می خورد، همه با همکاری و تعامل و گذشت و چند صلوات، راه را می گشایند.

در بین الحرمین اما گروه گروه حلقه زده و یکی می خواند و دیگران دم می گیرند و گریه می کنند و چه سوزی دارد این نجواها؛ یکی به عربی می خواند و آن یکی ترکی و دیگری فارسی و حتی جایی است که پاکستانی ها نوحه سر داده بودند و خیلی از غیر همزبان ها نیز پای آن روضه ایستاده بودند و به سوز آن نوحه می گریستند.

یک دسته زنجر زن نیز با علامت و علم و کتل از ضلع غربی (باب القبلة) وارد حرم می شوند که از اهالی الحویش منطقه ای در شمال سامرا هستند که گروه تروریستی داعش همین یک هفته قبل به آنجا یورش برد و با مقاومت جانانه نیروهای الحشد الشعبی و اهالی شهر روبه رو شد.

اطراف حرم هم مملو از جمعیت است. عده ای که تازه از راه رسیده اند، بعد از زیارت در اطراف حرم از هوش رفته اند و حتی عده ای بعد از نماز در همان بین الحرمین خوابشان برده و لوازم و کیف و ساکشان هم کنار دستشان روی زمین رها است.

مردم در طول مسیرهای راهپیمایی تا آخرین نفرات از زائرانی که هنوز در راهند، پذیرایی می کنند و سه شنبه شب در خانه ها در منطقه الحسینیة و سد الهندیه و مناطق الطویرج بر روی زائران باز بود و اصرار به اصرار که 'بفرمایید؛ متعلق به امام حسین است'.

حالا اربعین در ایران به غروب خود رسیده و فردا در عراق پایان می یابد و یک سال دیگر مدینه فاضله حسینی را دنیا به نظاره نشست؛ مکانی مقدس در یک بازه زمانی 15 روزه که به قطعه ای از بهشت تبدیل می شود و انسان ها در یکرنگی کامل و بدون تبعیض و زورگویی و ملامت محبت و عشق ورزی، در کنار هم زندگی می کنند.